

Fair Criminal Procedure Standards and Ethical Mechanisms for Implementing the Right to Silence in the Legal Systems of Iran and Iraq

Mohammad Louie¹, R. Nik Khah Ph.D.^{2*}, S. Jafarzadeh Ph.D.²

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University.
2. Department of Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University.

Abstract

Background: The right to silence, as one of the most important principles of fair trial, plays a key role in guaranteeing the rights of the accused and preventing human rights violations. However, this right involves numerous ethical challenges, and in some legal systems, including Iran and Iraq, different perceptions and implementation of this right have led to challenges in the trial process. Therefore, the purpose of the present study is to examine the fair criminal procedure standards and ethical mechanisms for implementing the right to silence in the legal systems of Iran and Iraq.

Conclusion: The ethical mechanisms for implementing this right were considered in three dimensions: legislative (considering the ethical dimension of the right to silence, the procedural nature of confession, and the need for the legitimacy of obtaining evidence, announcing and explaining the right to silence), judicial (the need for accurate recording and recording of interrogations in field investigations, prohibiting torture, coercion, forcing the accused to speak, and prohibiting suggestive questions and deception of the accused), and disciplinary (employing experienced and trained interrogators, supervision by responsible institutions over the manner of interrogation, specialization of officers).

Keywords: *Ethics, Right to Silence, Fair Criminal Procedure*

***Corresponding Author:** R. Nik Khah Ph.D., Department of Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Iran. Email: r.nikkhah@urmia.ac.ir

How to cite: Louie M, Nik Khah R, Jafarzadeh S. Fair criminal procedure standards and ethical mechanisms for implementing the right to silence in the legal systems of Iran and Iraq. *Ethics in Science and Technology*. 2025;20(08): 89-98.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

موازین دادرسی کیفری عادلانه و سازوکارهای اخلاقی اجرایی شدن حق سکوت در دو نظام حقوقی ایران و عراق

محمد لوئی^۱، دکتر رضا نیکخواه سرنقی^۲، دکتر سیامک جعفرزاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه فقه و حقوق اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه.

۲. گروه فقه و حقوق اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه.

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۸/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹)

چکیده

زمینه: حق سکوت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی عادلانه، نقش کلیدی در تضمین حقوق متهم و پیشگیری از نقض حقوق بشر ایفا می‌کند. با وجود این، این حق چالش‌های اخلاقی متعددی در بر دارد و در برخی نظام‌های حقوقی از جمله ایران و عراق، برداشت‌ها و اجرای متفاوت این حق منجر به چالش‌هایی در روند دادرسی شده است. از این رو هدف تحقیق حاضر بررسی موازین دادرسی کیفری عادلانه و سازوکارهای اخلاقی اجرایی شدن حق سکوت در دو نظام حقوقی ایران و عراق است.

نتیجه‌گیری: سازوکارهای اخلاقی اجرایی شدن این حق در سه بعد تقنینی (توجه به بعد اخلاقی حق سکوت، طریقی بودن اقرار و لزوم مشروع بودن تحصیل دلیل، اعلام و تفهیم حق سکوت)، قضایی (لزوم ثبت و ضبط دقیق بازجویی‌ها در تحقیقات میدانی، منع شکنجه، اکراه، اجبار متهم به سخن گفتن و منع پرسش تلقینی و اغفال متهم) و انتظامی (به کارگیری بازجویان مجرب و آموزش دیده، نظارت نهادهای مسئول بر چگونگی بازجویی، تخصصی شدن ضابطان) مورد توجه قرار گرفت.

کلیدواژگان: اخلاق، حق سکوت، دادرسی کیفری عادلانه

سرآغاز

حق سکوت^۱ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تضمین‌های دادرسی عادلانه^۴، نقشی اساسی در حفظ حقوق متهم و برقراری عدالت^۵ ایفا می‌کند. این حق، به متهم اجازه می‌دهد که در برابر اتهاماتی که علیه او مطرح می‌شود، از اجبار به اظهارات یا ارائه شواهدی که ممکن است به ضرر وی باشد، خودداری کند (۶). اهمیت این اصل در جلوگیری از اجبار و شکنجه برای کسب اعترافات، به‌ویژه در نظام‌هایی که احتمال سوءاستفاده از قدرت وجود دارد، آشکار است. حق سکوت همچنین ارتباط مستقیمی با اصل برائت دارد، زیرا از متهم نمی‌توان انتظار داشت که در مقام اثبات بی‌گناهی خود تلاش کند، بلکه این بار اثبات بر عهده مقام تعقیب است (۷). این حق در سطح بین‌المللی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. در اسناد حقوق بشری همچون ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۶، حق سکوت به‌عنوان یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه شناخته شده است (۸). این اسناد تأکید دارند که هیچ‌کس نباید مجبور به اعتراف علیه خود شود، چرا که چنین الزامی مغایر با شأن و کرامت انسانی است (۹).

حق سکوت^۱ متهم یکی از نتایج التزام به اصل برائت است و همچنین بر اصل مصونیت در برابر خوداتهامی استوار است (۱). این حق به این معناست که بر اساس قانون، متهم اختیار دارد در برابر ادعا و شکایتی که علیه او مطرح شده، سکوت کند و به شاکي یا دادستان فرصت دهد که ادعای خود را اثبات کند (۲). این حق در برخی اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی^۲ و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک به‌صراحت ذکر شده است (۳). علاوه بر این، اساسنامه و مقررات دادگاه‌های بین‌المللی همچون دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC)، دادگاه کیفری بین‌المللی^۳ برای یوگسلاوی سابق (ICTY) و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICTR) نیز به عنوان میعادگاه‌هایی برای تضمین حقوق دفاعی متهمان به نحوی تنظیم شده‌اند که استانداردهایی فراتر از معیارهای اسناد بین‌المللی را دربر می‌گیرند (۴). حق سکوت در رویه قضایی و مقررات این دادگاه‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر تأکید بر این حق برای متهمان، جنبه‌های مختلف آن، از جمله عدم امکان استنباط خلاف از سکوت متهم نیز تصریح و تضمین شده است (۵).

باید تقویت کننده اراده‌های خیرخواهانه باشد و سازگاری اجتماعی ۱۱ و اخلاقی ۱۲ را در جامعه نهادینه کند (۱۳).

حقوق بشر مفاهیمی اخلاق محور دارد و بدون در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی، نمی‌توان آن را محقق کرد. در حقوق کیفری ۱۳، جدایی از اخلاق تهدیدی جدی برای کارکرد آن محسوب می‌شود و استفاده غیراخلاقی از مجازات و دادرسی، اساس این حوزه را تضعیف می‌کند. امنیت پایدار جامعه تنها با رعایت موازین اخلاقی و احترام به کرامت انسانی ممکن است (۱۴).

منابع حقوقی مرتبط با حق سکوت در ایران

بعد از انقلاب اسلامی ۵۷، قوانین دادرسی کیفری ایران با چالش‌ها و ابهاماتی روبه‌رو بود. از سال‌های ۷۳ تا ۸۱، با تصویب قوانین مختلف مانند قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحات قانون تشکیل دادگاه‌ها در سال ۱۳۸۱، سیستم قضایی ایران در وضعیت پراکندگی قرار داشت. در این دوره، ضعف‌هایی در رعایت حقوق دفاعی متهم به‌ویژه حق سکوت و حق برخورداری از وکیل دیده می‌شود. این وضعیت در قوانین دادرسی کیفری دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی به‌طور مشخص نمود پیدا کرد و حقوق دفاعی متهم در مراحل تحقیقات مقدماتی نادیده گرفته شد (۸).

ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری و به‌ویژه تبصره آن، عملاً استفاده از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را به حداقل می‌رساند و با مخالفت قاضی از حضور وکیل در این مرحله، با هر دلیل ممکن که براساس ماده ۱۲۸ به راحتی برای قاضی قابل دسترس است، استفاده از این حق دفاعی برای متهم منتفی می‌شود. در این شرایط، استفاده از حق سکوت به عنوان یک مکانیسم دفاعی می‌تواند برای متهم مفید واقع شود. اما آنچه که در ماده ۱۲۹ این قانون و به موجب ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری در اختیار متهم قرار می‌گیرد، صرفاً یک حق مبهم و ناکافی است که تنها به امتناع از پاسخ دادن اشاره دارد و هیچ یک از الزامات لازم برای اجرای صحیح حق سکوت در آن پیش‌بینی نشده است. در واقع، به اعتقاد ما هیچ شواهدی در ماده ۷۸ ق.آ.د.ک ۷۸ دال بر حق سکوت برای متهم نمی‌توان یافت (۹).

در ماده ۱۲۸، قانونگذار به صراحت از واژه «می‌تواند» استفاده کرده است که به نوعی نشان‌دهنده اختیار متهم برای استفاده از وکیل است، اما در مورد حق سکوت چنین واژه‌ای مشاهده نمی‌شود. از این رو، نمی‌توان از ماده ۱۲۹ حق سکوت برای متهم استنباط کرد. عبارت "چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت جلسه قید می‌شود" تنها به پیش‌بینی فرضی سکوت متهم اشاره دارد و هیچ‌گونه اطمینان‌بخشی در مورد عدم برداشت خلاف از سکوت وی در این ماده وجود ندارد. در واقع، این صورت‌جلسه کردن امتناع متهم از پاسخ‌گویی، عملاً می‌تواند بر علیه متهم استفاده شود و به راحتی به عنوان دلیلی برای تفسیر منفی سکوت وی مورد استناد قرار گیرد (۹ و ۱۵).

برخی معتقدند که سکوت متهم ممکن است نوعی رفتار توهین‌آمیز و بی‌احترامی به نظر برسد که می‌تواند در تصمیم‌گیری قاضی تاثیر

حق سکوت همچنین در پیشگیری از اعترافات اجباری که ممکن است تحت شکنجه یا فشار روانی گرفته شود، نقش مؤثری دارد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، اعتراف به‌عنوان "ملکه ادله" شناخته می‌شود و ممکن است حکم دادگاه را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار دهد (۷). بنابراین، حمایت از متهم در برابر اجبار به اعتراف، نه تنها به عدالت در پرونده‌های کیفری کمک می‌کند، بلکه از نقض حقوق بشر نیز جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، رعایت حق سکوت به تقویت اعتماد عمومی به دستگاه قضایی نیز منجر می‌شود. در نظام‌هایی که این حق به‌خوبی اجرا می‌شود، افراد احساس امنیت بیشتری نسبت به روند قضایی دارند و باور دارند که عدالت در دادگاه‌ها رعایت خواهد شد (۱۰).

به‌طور کلی، اهمیت حق سکوت در دادرسی کیفری نه تنها در حمایت از حقوق متهم بلکه در تضمین سلامت و عدالت روند دادرسی آشکار می‌شود. این اصل از یک سو تضمین‌کننده احترام به کرامت انسانی^۷ است و از سوی دیگر، در کنار سایر اصول مانند اصل براءت و منع شکنجه، به تحقق یک دادرسی کیفری عادلانه کمک می‌کند (۱۱). در تحقیق حاضر سعی شده است موازین دادرسی کیفری عادلانه حق سکوت در دو نظام حقوقی ایران و عراق بررسی و سازوکارهای اخلاقی^۸ اجرایی شدن آن مورد بحث قرار گیرد.

بحث

حق سکوت در دادرسی کیفری

سکوت در لغت به معنای خاموش ماندن خاموش شدن عدم تکلم آرام بودن و آرام ماندن آمده است (۲). حق نیز از حیث لغوی به مفهوم راست و درست ثابت واجب نصیب و بهره می‌باشد. لیکن در دانش حقوق و در ما نحن فیه حق عبارت است از امتیاز و توانایی همین معنای لغوی در تعریف منطقی تر از «حق» در علم حقوق ملحوظ نظر است. از جمله برخی گفته‌اند؛ حق آن توانایی ای است که به اراده اشخاص اعطا شده است. از نظر ایشان عنصر اصلی حق اراده فردی است که به واسطه قوانین اعتبار و حاکمیت یافته است. برخی دیگر تعریفی مشابه ارائه داده‌اند و اظهار داشته‌اند که حق اقتداری است که قانون به افراد می‌دهد تا عملی را انجام دهند یا از آن استنکاف کرده انصراف حاصل نمایند به باور این عده، رکن اساسی حق آزادی عمل است (۱۲). همین معانی لغوی راهگشای تبیین معنای اصطلاحی حق سکوت هستند. این موضوع را در بند بعد پی می‌گیریم.

بر اساس معانی لغوی که از «حق» و «سکوت» ارائه شد و بر اساس تعاریفی که از حیث نظری برای حق سکوت وارد شده می‌توان آن را عبارت دانست از توانایی و اختیار فرد بر خاموش بودن و ساکت ماندن؛ یعنی اینکه فرد آزاد باشد در مقابل امری با موضوعی سخن گفته و اظهار نظر کند و یا همچنان ساکت باقی بماند.

حقوق بشر بر پایه احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها استوار است و حقوق کیفری نیز به‌عنوان ابزاری برای حمایت از ارزش‌های جمعی^۹ و اخلاقی^{۱۰} عمل می‌کند. دادرسی کیفری، به‌جای ایجاد ترس و تحقیر،

بگذارد. به همین دلیل، ممکن است قاضی با توجه به سکوت متهم، برداشت منفی از او داشته باشد، هرچند که هیچ حکمی مبنی بر این برداشت‌ها در قانون ذکر نشده است. در نهایت، نگارنده بر این باور است که ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری در هیچ صورتی حقی برای سکوت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی نکرده است و همچنین شرایط قانونی برای جلوگیری از برداشت‌های منفی از سکوت متهم نیز در آن فراهم نشده است.^(۱۱)

این نقیصه نه تنها در تئوری بلکه در عمل نیز مشهود است. در تحقیقات کیفری که نگارنده در آن حضور داشته، هیچگاه به متهم اعلام نشده که او حق سکوت دارد و حتی قید هشدار در مورد «مواظب اظهارات خود باشید» که در ماده ۱۲۹ پیش‌بینی شده، به متهم تفهیم نمی‌شود. علاوه بر این، آنچه که در محاکم و دادسراها مشاهده می‌شود، استفاده صرف از اوراق چاپی است که در آن‌ها عباراتی چون «مفاد ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری به شما تفهیم شد» به چشم می‌خورد، در حالی که این ماده به قانون اصول محاکمات کیفری مربوط است و دیگر در محاکم عمومی به کار نمی‌رود.^(۱۶)

در همین راستا، به موجب مواد مختلفی از قانون آیین دادرسی کیفری و بخشنامه‌های صادره از سوی مقامات قضائی، همچنان از مقامات قضائی خواسته شده که تنها در جرایم مشهود و با نظارت و هدایت آنها تحقیقات مقدماتی به درستی انجام گیرد. بنابراین، نمی‌توان از ضابطین دادگستری در جرایم غیرمشهود توقع داشت که بدون دستور قضائی اقدام به تحقیق و بازجویی از متهم کنند. همچنین، در صورتی که بازجویی توسط ضابطین انجام گیرد، هیچ‌گونه تفهیم اتهامی به متهم قبل از حضور در دادسرا به او داده نمی‌شود.

نهایتاً، در مواردی که مقامات قضائی تحقیقاتی را در موارد غیرمشهود به ضابطین ارجاع می‌دهند، به نظر می‌رسد که مسئولیت ضابطین محدود به تحقیق در موارد خاص است و به‌ویژه در مواردی که مرتبط با تحقیقات مقدماتی نیست، باید تحت نظارت و هدایت مقامات قضائی انجام گیرد. این وضعیت همچنان نشان‌دهنده مشکل اصلی در فرآیند اجرای دقیق و صحیح حق سکوت برای متهم در قانون آیین دادرسی کیفری است که نیاز به اصلاح دارد.

در قانون آیین دادرسی کیفری ۷۸ ماده‌ای مرتبط با امکان سکوت متهم در جریان رسیدگی وجود دارد یا خیر. با دقت در مواد مختلف باب دوم این قانون، به سه ماده ۱۹۳، ۱۹۴ و ۱۹۷ برمی‌خوریم که در آن‌ها احتمال تجلی سکوت متهم پیش‌بینی شده است.^(۲)

ماده ۱۹۴ بیان می‌دارد: "اگر متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و این اقرار صریح بوده و هیچ شک و شبهه‌ای نداشته باشد و قرائن و امارات نیز آن را تأیید کنند، دادگاه حکم صادر می‌کند. اما اگر متهم انکار کند یا سکوت کند و در صورت تردید در اقرار یا تناقض با سایر ادله، دادگاه به تحقیق از شهود و مطلعین پرداخته و به سایر دلایل رسیدگی می‌کند."^(۱۷)

ماده ۱۹۷ نیز مقرر می‌کند: "دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و روشن شدن موضوع ضروری است از طرفین، شهود و مطلعین

می‌پرسد. اگر متهم به این پرسش‌ها پاسخ ندهد، دادگاه بدون اینکه او را مجبور به پاسخگویی کند، به رسیدگی ادامه می‌دهد."^(۱۷) اگرچه در این ماده‌ها از سکوت متهم و عدم پاسخ‌دهی او به سوالات مقامات قضائی سخن گفته شده، اما نگارنده بر این باور است که این مواد به‌تنهایی نمی‌توانند پیش‌بینی‌کننده حق سکوت در قانون آیین دادرسی کیفری ۷۸ برای متهم باشند. به عقیده نگارنده، حق سکوت دارای ابعاد و الزامات خاصی است که باید به‌صراحت در قانون ذکر شود. این الزامات شامل تصریح به وجود حق سکوت، اعلام آن به متهم، عدم امکان برداشت‌های منفی از سکوت متهم و یا حتی پیش‌بینی شرایط خاص برای برداشت‌های منفی از سکوت متهم است. اما در این مواد، هیچ‌یک از این اصول مشاهده نمی‌شود.^(۱۸)

باب دوم قانون آیین دادرسی کیفری ۷۸ به نحوه محاکمه اختصاص یافته است. فصل اول این باب به اقداماتی می‌پردازد که قاضی پس از پایان تحقیقات مقدماتی باید انجام دهد. در این مرحله، باید بررسی کنیم که آیا در قانون آیین دادرسی کیفری ۷۸ ماده‌ای مرتبط با امکان سکوت متهم در جریان رسیدگی وجود دارد یا خیر. با دقت در مواد مختلف باب دوم این قانون، به سه ماده ۱۹۳، ۱۹۴ و ۱۹۷ برمی‌خوریم که در آن‌ها احتمال تجلی سکوت متهم پیش‌بینی شده است.^(۱۹) ماده ۱۹۳ به این نحو تنظیم شده که رسیدگی باید به ترتیب زیر انجام گیرد:

۱. استماع اظهارات شاکی و مدعی خصوصی به همراه وکلای آنها و شهود و اهل خبره معرفی‌شده از طرف شاکی یا مدعی خصوصی.
۲. تحقیق از متهم به‌منظور مشخص کردن اینکه آیا اتهام وارده را قبول دارد یا خیر که پاسخ او در صورت جلسه قید می‌شود.
۳. استماع اظهارات متهم و شهود و اهل خبره معرفی‌شده از سوی متهم و وکیل او.
۴. بررسی آلات و ادوات جرم و شنیدن اظهارات وکیل متهم.
۵. رسیدگی به دلایل جدیدی که از طرف متهم یا وکیل او به دادگاه ارائه می‌شود.

بند دوم این ماده به‌طور خاص می‌تواند محل ظهور سکوت متهم باشد؛ به این معنا که پس از استماع دعوی شاکی و تفهیم اتهام به متهم، یکی از واکنش‌های احتمالی او می‌تواند سکوت باشد (۱).

ماده ۱۹۴ بیان می‌دارد: "اگر متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و این اقرار صریح بوده و هیچ شک و شبهه‌ای نداشته باشد و قرائن و امارات نیز آن را تأیید کنند، دادگاه حکم صادر می‌کند. اما اگر متهم انکار کند یا سکوت کند و در صورت تردید در اقرار یا تناقض با سایر ادله، دادگاه به تحقیق از شهود و مطلعین پرداخته و به سایر دلایل رسیدگی می‌کند."^(۲۰)

در این ماده، برای اولین بار واژه "سکوت متهم" به کار رفته است. ماده ۱۹۷ نیز مقرر می‌کند: "دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و روشن شدن موضوع ضروری است از طرفین، شهود و مطلعین می‌پرسد. اگر متهم به این پرسش‌ها پاسخ ندهد، دادگاه بدون اینکه او را مجبور به پاسخگویی کند، به رسیدگی ادامه می‌دهد."^(۲۱)

می‌شود که قانون نسبت به واقعیت مشخصی آن را مطالبه می‌کند، در حالی که مدرک قضایی فرآیندی ذهنی است که قاضی با استفاده از آن به نتایجی درباره واقعیت‌های مطرح‌شده علیه متهم دست می‌یابد (۲۶). اهمیت اصول برائت و قانونی بودن حقوق جزا در آن است که این دو اصل به عنوان پایه‌های اصلی نظام کیفری شناخته شده و نقض آن‌ها غیرقابل قبول است، به طوری که مسئولان در تمام مراحل دادرسی کیفری ملزم به رعایت آن هستند (۲۷).

متهم نباید مجبور به پاسخگویی به سؤالات شود و امتناع او از پاسخ به منزله دلیلی علیه او نخواهد بود. قوانین عراق در این خصوص به اندازه قوانین ایران گسترده و متنوع نیستند و تنها می‌توان به سه قانون اصلی اشاره کرد: قانون آیین دادرسی کیفری عثمانی مصوب ۱۳۹۷م، قانون آیین دادرسی کیفری عراق که هنوز لازم‌الاجرا است، و قانون اساسی عراق مصوب ۲۰۱۵م.

در ماده ۳۲۱ نیز آمده است که: «... (ب) نمی‌توان متهم را وادار به پاسخگویی کرد.» مطابق ماده ۳۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری عراق، اظهارات متهم، پلیس و قاضی تحقیق در گزارشی ثبت و توسط آنها امضا می‌شود، اما اگر متهم از امضا خودداری کند، هیچ بازخواستی متوجه او نیست و وی می‌تواند بعداً به این گزارش اعتراض نماید. این امر بر خلاف قانون ایران است که در آن امتناع متهم از امضا، اثری یکسان با امضای وی دارد.

قانونگذار عراق با این رویکرد نشان داده که نه تنها متهم حق سکوت دارد، بلکه از امضای اظهارات و گزارشات نیز می‌تواند خودداری کند. این مهم است که چنین اقدامی نباید علیه او محسوب شود و نمی‌توان او را مانند دعاوی مدنی، به دلیل این عمل به عنوان ناکام از دفاعیات، محکوم کرد.

ماده ۳۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری عراق تأکید می‌کند که اعتراف و اظهارات متهم نباید به هر قیمتی و از هر طریقی به دست آید. با این حال، پیش‌تر از روش‌های غیرقانونی مانند تهدید، وسوسه، اعمال فشار روانی، یا استفاده از الکل و مواد مخدر برای گرفتن اعتراف استفاده می‌شد، که در زندان‌هایی چون "ابوغریب" امری رایج بوده و به‌وضوح حقوق اولیه انسانی را زیر پا می‌گذاشت. ماده ۳۹۷ این قانون بیان می‌کند که دادگاه می‌تواند پرسش‌هایی از متهم بپرسد، اما اگر متهم پاسخی ندهد، این امتناع می‌تواند به عنوان نشانه‌ای علیه او تفسیر شود. قانونگذار عراق تصمیم گرفته است که حق سکوت متهم را در تمامی مراحل رسیدگی کیفری به رسمیت بشناسد و به مقامات تحقیق توصیه کرده تا متهم را از این حق آگاه کنند. همچنین قانونگذار به مقامات قضایی دستور می‌دهد تا پیش از شروع به اخذ اظهارات، این حق را به متهم تفهیم کنند تا عدالت حفظ شده و متهم نیز از حقوق خود آگاه باشد.

قانون اساسی عراق نیز در اصل ۲۹، مانند ماده ۳۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری فعلی، به متهم اجازه می‌دهد از امضای صورت‌جلسه‌ای که اظهاراتش در آن ثبت شده امتناع کند. این امتناع نمی‌تواند دلیلی علیه متهم باشد، زیرا امضای اجباری می‌تواند بی‌اعتباری آن اظهارات را نشان

اگرچه در این دو ماده از سکوت متهم و عدم پاسخ‌دهی او به سؤالات مقامات قضایی سخن گفته شده، اما نگارنده بر این باور است که این مواد به‌تنهایی نمی‌توانند پیش‌بینی‌کننده حق سکوت در قانون آیین دادرسی کیفری ۷۸ برای متهم باشند. به عقیده نگارنده، حق سکوت دارای ابعاد و الزامات خاصی است که باید به‌صراحت در قانون ذکر شود. این الزامات شامل تصریح به وجود حق سکوت، اعلام آن به متهم، عدم امکان برداشت‌های منفی از سکوت متهم و یا حتی پیش‌بینی شرایط خاص برای برداشت‌های منفی از سکوت متهم است. اما در این مواد، هیچ‌یک از این اصول مشاهده نمی‌شود. به نظر نگارنده، ماده ۱۹۴ تنها برای فرضی پیش‌بینی کرده که در آن متهم به‌طور خودخواسته سکوت می‌کند و از همکاری با دستگاه قضایی خودداری می‌نماید. در این حالت، قانونگذار به قاضی می‌گوید که برای پیشبرد پرونده به ادله دیگر توجه کند و تنها به اظهارات شفاهی متهم اکتفا نکند (۲۲).

فراز پایانی ماده ۱۹۷ نیز به این نکته اشاره دارد که دادگاه نمی‌تواند متهم را مجبور به پاسخگویی کند. اگرچه این موضوع از یک‌سو به معنای احترام به سکوت متهم است و از سوی دیگر، به‌نوعی با اصل برائت مرتبط می‌شود، اما نمی‌توان به‌طور قطعی از آن نتیجه گرفت که حق سکوت در این قانون پیش‌بینی شده است. از این رو، با اینکه اصل ۳۷ قانون اساسی ایران اصل برائت را مطرح کرده و آن را در قوانین کیفری مورد تأکید قرار داده است، نمی‌توان اینطور استنباط کرد که چون حق سکوت از نتایج این اصل است، بنابراین این حق به‌طور خودکار در حقوق ایران به رسمیت شناخته شده است (۲۳).

به نظر نگارنده، حق سکوت و نیز ممنوعیت اجبار و شکنجه متهم برای پاسخگویی، دو موضوع مستقل و متمایز هستند که اولی در قانون پیش‌بینی نشده است، در حالی که ردپای دومی—ممنوعیت اجبار و شکنجه—در قانون آیین دادرسی کیفری ۷۸ دیده می‌شود. به‌طور کلی، قانون آیین دادرسی کیفری ۷۸ هیچ‌گونه تصریحی مبنی بر پیش‌بینی حق سکوت برای متهم در مواد خود ندارد، بلکه تنها به اصول مرتبط با ممنوعیت اجبار به پاسخگویی توجه کرده است.

منابع حقوقی مرتبط با حق سکوت در عراق

مبانی حق سکوت متهم در قانون عراق به اصل برائت بازمی‌گردد. پایه اصل برائت ۱۵ در آیین دادرسی با اصل قانونی بودن حقوق جزا گره خورده است. این اصل تصریح دارد که بر اساس آن انسان بی‌گناه است مگر اینکه خلاف آن اثبات شود. در فرآیند اثبات خلاف این اصل، نباید شرایطی ایجاد شود که انسان، گناهکار تلقی شده و قبل از محاکمه مجازات شود علاوه بر وجود اصلی مانند اصل برائت، بنای عقل نیز به عنوان مبنای این حق مورد نظر است و در دو گفتار مورد بررسی قرار می‌گیرد (۲۴).

اصل برائت یکی از اصول مهم حقوقی است که در کنار اصولی چون اصل قانونی بودن حقوق جزا، حقوق متهمان را تضمین می‌کند (۲۵). در این راستا، حقوق دانان عراقی مدارک مربوط به اتهام را به دو دسته قانونی و قضایی تقسیم کرده‌اند. مدرک قانونی به مدارکی اطلاق

دهد. در واقع، امتناع از امضا همچون حق سکوت در نظر گرفته شده و دلیلی بر علیه متهم محسوب نمی‌شود.

قاضی تحقیق، افسر پلیس یا مقام قضایی موظف‌اند به متهم یادآوری کنند که از حق سکوت برخوردار است. این اقدام نه تنها به نفع متهم است، بلکه به اعتبار نظام قضایی نیز کمک می‌کند، زیرا موجب اجرای قانون شده و اعتماد عمومی به این نظام را تقویت می‌نماید. شایان ذکر است که اهمیت حقوق متهم در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است، زیرا رعایت کرامت انسانی وی پایه‌ای برای آزادی، عدالت و صلح جهانی است. در همین راستا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در راستای تعیین آرمان‌های مشترک، اعلامیه جهانی حقوق بشر را در تاریخ ۳۷۴۹ میلادی تصویب کرد. طبق ماده ۲ این اعلامیه، "هر فرد حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد" و بنابراین، هیچ فردی نباید بدون دلیل قانونی از امنیت و آزادی خود محروم شود. متهم نیز هنگامی که تحت نظر قرار می‌گیرد، باید از این امنیت و کرامت بهره‌مند باشد (۱۱).

بر اساس مواد ۵ و ۱ این اعلامیه، "هیچ‌کس نباید تحت شکنجه یا مجازات غیرانسانی قرار گیرد" و "شخصیت حقوقی هر فرد باید در همه جا به عنوان یک انسان مورد شناسایی قرار گیرد." بنابراین، تحت نظر قرار دادن متهم باید به عنوان یک اقدام استثنایی و تحت شرایط خاص انجام شود، نه به هر بهانه‌ای. ماده ۹ این اعلامیه تصریح دارد که "هیچ فردی نمی‌تواند به‌طور خودسرانه توقیف یا حبس شود" و طبق ماده ۱۱، "هرکس تا زمان اثبات قانونی گناهش بی‌گناه محسوب می‌شود." به همین دلیل، حقوق متهم در اسناد بین‌المللی و توسط مدافعان حقوق بشر به دقت مورد بررسی قرار گرفته است (۲۸).

در بررسی اسناد فراملی مرتبط با حقوق متهم، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در سال ۳۹۹۷ میلادی پس از انقلاب کبیر فرانسه به‌عنوان نخستین سندی که به حقوق فردی و طبیعی پرداخته و به زیبایی نوشته شده است، شهرتی جهانی یافت (۲۹). این اعلامیه نقطه عطفی در تحول قوانین جرایم و مجازات‌ها محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که دو اصل "قانونی بودن جرایم" و "قانونی بودن مجازات‌ها" را به رسمیت شناخت (۳۰). از این رو، می‌توان گفت که انقلاب فرانسه در نگرش‌های حقوق بشری بسیاری از کشورها تأثیرگذار بوده است و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه شاید جامع‌ترین متن حقوقی مربوط به حقوق متهم باشد که پس از این انقلاب، در ۳۹ ماده به نگارش درآمده است (۳۱).

در نظام قضایی عراق، اگرچه ضمانت اجرا برای مقامات تحقیق در نظر گرفته شده، ولی به علت ضعف نظارت، این حق به‌درستی اجرا نمی‌شود. شرایط اقتصادی و اجتماعی و همچنین کمبود وکلای مجرب، استفاده مؤثر از حق سکوت را دشوار کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که قضات زمان لازم برای تفهیم این حق را در اختیار متهم می‌گذارند، اما متهم به دلیل ناآگاهی یا عدم حضور وکیل، به درستی از آن استفاده نمی‌کند.

قانون آیین دادرسی کیفری عراق شماره ۴۹ مصوب ۶۳۵۶ ماده ۳۲۲ این قانون تصریح می‌کند:

«(أ) قاضی تحقیق یا محقق موظف است متهم را ظرف ۲۴ ساعت از زمان حضور، پس از احراز هویت و تأیید اتهامات، بازجویی کند و اقوال وی را در کنار دلایل ارائه‌شده به‌صورت بیانی‌ای ثبت نماید. در صورت لزوم، برای کشف حقیقت، امکان بازجویی مجدد از متهم وجود دارد.

(ب) قبل از شروع تحقیقات، قاضی باید موارد زیر را به متهم اطلاع دهد: اولاً) متهم حق دارد سکوت کند و استفاده از این حق نباید به عنوان فرضی علیه وی تعبیر شود.

دوماً) متهم حق دارد وکیل مدافع داشته باشد و در صورتی که توانایی مالی نداشته باشد، دادگاه بدون هزینه وکیل برای او تعیین خواهد کرد. (ج) قاضی تحقیق یا محقق باید قبل از هر گونه بازجویی، به درخواست متهم، برای او وکیل فراهم کند و نباید تا حضور وکیل هیچ اقدام مستقیمی صورت گیرد.»

بر اساس ماده فوق، متهم قبل از هر گونه پرسشی باید از حق سکوت و داشتن وکیل حتی به‌صورت رایگان آگاه شود و تصمیم بگیرد که آیا سکوت می‌کند یا وکیل می‌خواهد.

در ماده ۳۲۱ نیز آمده است که: «... (ب) نمی‌توان متهم را وادار به پاسخگویی کرد.» مطابق ماده ۳۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری عراق، اظهارات متهم، پلیس و قاضی تحقیق در گزارشی ثبت و توسط آنها امضا می‌شود، اما اگر متهم از امضا خودداری کند، هیچ بازخواستی متوجه او نیست و وی می‌تواند بعداً به این گزارش اعتراض نماید. این امر بر خلاف قانون ایران است که در آن امتناع متهم از امضا، اثری یکسان با امضای وی دارد.

قانونگذار عراق با این رویکرد نشان داده که نه تنها متهم حق سکوت دارد، بلکه از امضای اظهارات و گزارشات نیز می‌تواند خودداری کند. این مهم است که چنین اقدامی نباید علیه او محسوب شود و نمی‌توان او را مانند دعاوی مدنی، به دلیل این عمل به عنوان ناکام از دفاعیات، محکوم کرد.

ماده ۳۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری عراق تأکید می‌کند که اعتراف و اظهارات متهم نباید به هر قیمتی و از هر طریقی به دست آید. با این حال، پیش‌تر از روش‌های غیرقانونی مانند تهدید، وسوسه، اعمال فشار روانی، یا استفاده از الک و مواد مخدر برای گرفتن اعتراف استفاده می‌شد، که در زندان‌هایی چون "ابوغریب" امری رایج بوده و به‌وضوح حقوق اولیه انسانی را زیر پا می‌گذاشت. ماده ۳۹۷ این قانون بیان می‌کند که دادگاه می‌تواند پرسش‌هایی از متهم بپرسد، اما اگر متهم پاسخی ندهد، این امتناع می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای علیه او تفسیر شود. قانونگذار عراق تصمیم گرفته است که حق سکوت متهم را در تمامی مراحل رسیدگی کیفری به رسمیت بشناسد و به مقامات تحقیق توصیه کرده تا متهم را از این حق آگاه کنند. همچنین قانونگذار به مقامات قضایی دستور می‌دهد تا پیش از شروع به اخذ اظهارات، این حق را به متهم تفهیم کنند تا عدالت حفظ شده و متهم نیز از حقوق خود آگاه باشد.

سازوکارهای اخلاقی اجرایی شدن حق سکوت

پس از بررسی مفهوم حق سکوت و جایگاه آن در حقوق ایران و عراق حال ضرورت دارد سازوکارهای اخلاقی اجرایی شدن این حق در سه بعد تقنینی، قضایی و انتظامی مورد توجه قرار گیرد (۳۳).

الف) سازوکارهای اخلاقی تقنینی رعایت حق سکوت متهم: رعایت این دسته از سازوکارها که در قانون پیش بینی شده اند باعث می شود دستگاه قضایی و اجرایی به این حق توجه بیشتری داشته باشد. این سازوکارهای اخلاقی عبارتند از:

توجه به بعد اخلاقی حق سکوت: این امر به معنای رعایت حقوق آزادی های فرد، خوش برخوردی، احترام به کرامت انسانی، پایبندی به قانون و دادرسی عادلانه است تا بدین شکل متهم بتواند در کمال آرامش به سوالات پاسخ دهد.

طریقی بودن اقرار و لزوم مشروع بودن تحصیل دلیل: طریقت داشتن اقرار از دو جهت کاربرد دارد؛ از یک سو از تحمیل مجازات و کیفر بر متهم بی گناه جلوگیری می کند و از سوی دیگر از پذیرفتن اقرار غیرواقعی که مثلاً اقرار تحت فشار جلوگیری می کند. تمامی ادله جمع آوری شده باید مورد سنجش قرار گیرند تا اعتبار آنها تایید گردد در غیراین صورت باید از آنها صرف نظر کرد. در حقوق کیفری ایران و عراق اصل مشروعیت دلیل و احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی پذیرفته شده است.

اعلام و تفهیم حق سکوت: آنچه رعایت حقوق متهم را تکمیل می کند تفهیم حق سکوت به متهم است که مانع تحریک متهم به خودمتهم سازی می شود چرا که استفاده از جهل متهم نسبت به حقوق خود عملی ضد اخلاقی است و موجب اخذ اظهارات بر ضد خود یا اقرار علیه خود می شود. استاندارد سازی رویه های حق سکوت متهم مطابق با اسناد بین الملل در قوانین ایران و عراق انجام شده و دوره های آموزشی برای چگونگی اعلان و تفهیم این حق به متهم در اختیار بازجویان قرار می گیرد تا از ایجاد رویه های غیر اخلاقی در این زمینه جلوگیری شود. ب) سازوکارهای اخلاقی قضایی حق سکوت متهم: برخی روش ها که توسط مقامات قضایی اعمال می شود در رعایت حق سکوت متهم اهمیت دارد از جمله:

لزوم ثبت و ضبط دقیق بازجویی ها در تحقیقات میدانی: بازجویی استاندارد مستلزم رعایت مولفه هایی است که یکی از آنها ثبت و ضبط دقیق بازجویی هاست که بازجو را مکلف به رعایت اصول اخلاقی می کند و تاثیر زیادی بر کاهش شکنجه و استفاده از دیگر روش های غیرانسانی توسط بازجویان علیه متهم دارد. در قوانین ایران و عراق به احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی متهمان تاکید شده و هر گونه تغییر و تحریف در محتوای بازجویی جرم انگاری شده است و ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی و... ثبت و ضبط کنند.

منع شکنجه، اکراه، اجبار متهم به سخن گفتن: ممنوعیت شکنجه یکی از مهم ترین ارزش های اخلاقی و انسانی در جوامع دموکراتیک است.

هشدار شفاهی به حق سکوت متهم توسط قاضی یا پلیس کافی نیست و باید این امر به صورت مکتوب در صورت جلسه ثبت شود و قبل از هر گونه بازجویی یا سوال، به اطلاع متهم برسد. در ماده ۳۹۱ این قانون آمده است که اگر متهم از پاسخگویی امتناع ورزد یا پاسخ او متناقض باشد، دادگاه می تواند نظر متهم را از طریق دیگر، مانند استناد به اظهارات پیشین، دریافت کند. در عین حال، دادگاه تجدیدنظر نمی تواند اعتراضی را که با اعمال فشار یا تهدید به دست آمده، معتبر بداند و در مواردی از صحت اعترافات اطمینان می یابد (۳۲).

قانون اساسی عراق نیز در اصل ۲۹، مانند ماده ۳۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری فعلی، به متهم اجازه می دهد از امضای صورت جلسه ای که اظهاراتش در آن ثبت شده امتناع کند. این امتناع نمی تواند دلیلی علیه متهم باشد، زیرا امضای اجباری می تواند بی اعتباری آن اظهارات را نشان دهد. در واقع، امتناع از امضا همچون حق سکوت در نظر گرفته شده و دلیلی بر علیه متهم محسوب نمی شود (۳۳).

قاضی تحقیق، افسر پلیس یا مقام قضایی موظفاند به متهم یادآوری کنند که از حق سکوت برخوردار است. این اقدام نه تنها به نفع متهم است، بلکه به اعتبار نظام قضایی نیز کمک می کند، زیرا موجب اجرای قانون شده و اعتماد عمومی به این نظام را تقویت می نماید. شایان ذکر است که اهمیت حقوق متهم در سطح بین المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است، زیرا رعایت کرامت انسانی وی پایه ای برای آزادی، عدالت و صلح جهانی است. در همین راستا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در راستای تعیین آرمان های مشترک، اعلامیه جهانی حقوق بشر را در تاریخ ۳۷۴۹ میلادی تصویب کرد. طبق ماده ۲ این اعلامیه، "هر فرد حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد" و بنابراین، هیچ فردی نباید بدون دلیل قانونی از امنیت و آزادی خود محروم شود. متهم نیز هنگامی که تحت نظر قرار می گیرد، باید از این امنیت و کرامت بهره مند باشد (۴).

بر اساس مواد ۵ و ۱ این اعلامیه، "هیچ کس نباید تحت شکنجه یا مجازات غیرانسانی قرار گیرد" و "شخصیت حقوقی هر فرد باید در همه جا به عنوان یک انسان مورد شناسایی قرار گیرد." بنابراین، تحت نظر قرار دادن متهم باید به عنوان یک اقدام استثنایی و تحت شرایط خاص انجام شود، نه به هر بهانه ای. ماده ۹ این اعلامیه تصریح دارد که "هیچ فردی نمی تواند به طور خودسرانه توقیف یا حبس شود" و طبق ماده ۱۱، "هر کس تا زمان اثبات قانونی گناهش بی گناه محسوب می شود." به همین دلیل، حقوق متهم در اسناد بین المللی و توسط مدافعان حقوق بشر به دقت مورد بررسی قرار گرفته است.

در بررسی اسناد فراملی مرتبط با حقوق متهم، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در سال ۳۹۹۷ میلادی پس از انقلاب کبیر فرانسه به عنوان نخستین سندی که به حقوق فردی و طبیعی پرداخته و به زیبایی نوشته شده است، شهرتی جهانی یافت (۲۵). این اعلامیه نقطه عطفی در تحول قوانین جرایم و مجازات ها محسوب می شود، به گونه ای که دو اصل "قانونی بودن جرایم" و "قانونی بودن مجازات ها" را به رسمیت شناخت (۲۴).

منع شکنجه به معنای ممنوعیت شکنجه روانی و فیزیکی، رفتار ظالمانه، رفتار غیر انسانی، رفتار تحقیر آمیز، مجازات ظالمانه، مجازات غیرانسانی و مجازات تحقیر آمیز است. اسناد حقوق بشر حتی در بحرانی ترین شرایط مانند درگیری های سازماندهی شده تروریست ها و جرایم بسیار مهم نیز اجازه استفاده از شکنجه یا دیگر رفتار های غیراخلاقی را منع می کند. در قوانین ایران و عراق نیز بر منع شکنجه تاکید شده است.

منع پرسش تلقینی و اغفال متهم: استفاده از پرسش های تلقینی با توجه به اینکه بر سلامت قوه تصمیم گیری شخص اثر می گذارد منجر به تحصیل دلیل غیر صادقانه و غیر شفاف می شود. سوالاتی که به قصد فریب و اغفال متهم پرسیده می شود خلاف قانون و اخلاق است. اما متأسفانه در این مورد اطلاعات نادرستی به جامعه توسط رسانه های جمعی مخابره می شود و بعضاً در فیلم های پلیسی استفاده از این پرسش های تلقینی و اغفال کننده امری شایع نشان داده می شود.

سازوکارهای اخلاقی انتظامی حق سکوت متهم: برخی سازوکارهای اخلاقی در دستگاه پلیس نیز می توان در رعایت حق سکوت متهم اثر گذار باشد از جمله:

به کارگیری بازجویان مجرب و آموزش دیده: چنانچه بازجویان از رهگذر آزمون های روانشناسی، اخلاقی و سلامت جسمانی بگذرند در اجرای نقش خود بهتر ظاهر می شوند و این امر سهم بسطایی در رعایت موازین اخلاقی و حفظ حقوق متهم خواهد داشت. بازجویان علاوه بر داشتن معیارهای سلامت جسمی و روانی و برخورداری از معیارهای شخصیتی و اخلاقی باید جهت اخذ مهارت های لازم در دوره های آموزشی شرکت کنند تا در نهایت با حسن اجرای قانون بتوانند حقوق متهم و منافع جامعه را بهتر تامین کنند.

نظارت نهادهای مسئول بر چگونگی بازجویی: نظارت مستمر دادستان و یا سایر مقام های قضایی مسئول بر چگونگی بازجویی عامل مهمی در رعایت قوانین و کاهش سوء استفاده ماموران از جایگاه خود در هنگام بازجویی است. نظارت و استفاده از تدابیر انضباطی سازوکاری مهم برای جلوگیری از رفتارهای غیراخلاقی و غیرقانونی ضابطان نسبت به متهم و در نتیجه جلوگیری از تضییع حقوق متهمین است.

تخصیص شدن ضابطان: تورم قوانین کیفری منجر شده مانند بسیاری از رشته های دیگر علم حقوق نیز به سمت تخصصی شدن پیش رود. بنابراین تخصیص شدن پلیس، با توجه به فعالیت مجرمان در حوزه های حرفه ای و لزوم داشتن دانش خاص برای تعقیب و دستگیری آنها، برای برآورده ساختن انتظارات مقنن اهمیت می یابد. بی توجهی به این امر نتیجه ای جز تهدید آزادی های فردی و مشروع شهروندان و برچسب زنی به شهروندان ندارد.

نتیجه گیری

در نقد و بررسی محدودیت ها و استثنائات وارد شده بر حق سکوت و مصونیت در برابر خود اتهامی، نگارنده مبنای هر دو استثنا را معقول می داند. این استثنائات به این دلیل منطقی به نظر می رسند که در مورد استثنای اول، یعنی ادله غیر گواهی، اساساً قرار نیست متهم صحبت کند

و از طرف دیگر، این گونه اقدامات بار اثبات را معکوس نمی کند؛ به عبارت دیگر، از متهم خواسته نمی شود که دلایلی برای بی گناهی خود ارائه دهد. علاوه بر این، در فرآیند به دست آوردن این نوع ادله و الزام متهم به مشارکت در بررسی آن ها، در حقیقت متهم به خود اتهامی مجبور نمی شود. چرا که اولاً این ادله وجود خارجی دارند و مقام قضایی از آن ها مطلع است. ثانیاً، مشارکت متهم تنها به فراهم آوردن زمینه لازم برای انجام بررسی ها و آزمایشات توسط مقام قضایی محدود است و به طور مشخص، این امر به دلیل ماهیت خاص این ادله و محل استقرار آن ها در بدن متهم است. ثالثاً، مهمترین استدلال این است که الزام متهم به مشارکت در کسب این ادله لزوماً به معنای خود اتهامی و در نهایت محکومیت او نخواهد بود؛ چرا که ممکن است نتیجه این بررسی ها تبرئه متهم باشد. رابعاً، اگر به مشروعیت استفاده از این ادله شک کنیم، به نظر می رسد که باید مسیر کشف جرائم را به طور کامل مسدود کنیم.

به نظر ما، این سکوت نیست که باید از آن برداشت منفی انجام شود، بلکه قوت و کافی بودن سایر ادله و قرائن پرونده است که مقام قضایی را به محکومیت متهم هدایت می کند. باید افزود که هیچ دلیلی وجود ندارد که سرنوشت پرونده کیفری صرفاً به دلیل سکوت متهم به براءت او ختم شود یا به طور مخالف به محکومیت منتهی گردد. مگر دسترسی به جمع آوری دلایل دیگر برای کشف حقیقت بسته است؟ و آیا قرار است تنها دلیل اثبات اتهامات، اقرار متهم باشد؟ اگر اصل بر اقرار وجدان قضائی است، آیا این اقرار تنها از طریق اقرار متهم حاصل می شود؟ بدون تردید پاسخ منفی خواهد بود.

ما بر این باوریم که ماهیت متفاوت دعوای کیفری از دعوای مدنی ایجاب می کند که اعتراف متهم به ارتکاب جرم، امری «طریقی» باشد و هیچ گاه نمی تواند موضوعی باشد. بنابراین، هرگز نمی توان نتیجه دعوای کیفری را تنها به اقرار متهم موکول کرد. دوران محوری بودن اقرار در دادرسی کیفری مدت ها است که به پایان رسیده و امروزه دیگر تأکید بر اقرار در پرونده های کیفری از منظر منطقی و حاکم بر نظام ادله در دادرسی ها، کمترین ارزش و کاربرد را دارد. به همین دلیل در آیین دادرسی کیفری جدید، توجه به طریقت ادله و نه موضوعیت آن ها بسیار بیشتر از گذشته است و مبنای کار قضاوت قرار می گیرد. از این رو، در دوران معاصر، قرائن و امارات به ویژه در دادرسی های کیفری اهمیت زیادی پیدا کرده و گاهی نقشی تعیین کننده تر از سایر ادله ایفا می کنند. برای مثال، در یک پرونده بزرگ پولشویی در انگلستان در سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱، اولین دلیل محکومیت متهمین، قرائن و امارات قطعی مربوط به وقوع پولشویی بود.

بنابراین، بدون اینکه نیازی به اتکای صرف به اقرار متهم باشد و در عین حال که متهم حق سکوت در برابر اتهامات خود را دارد، جمع آوری سایر دلایل برای اثبات اتهام همچنان ادامه دارد. حق سکوت متهم در حقوق عراق دارای پیشینه و شرایط خاصی است. در حقوق ایران، این حق تا سال ۱۳۷۳ به رسمیت شناخته نشده بود و طبق ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۰، سکوت متهم علیه او تفسیر می شد. با

۴. در نظر گرفتن ضمانت اجرا برای افرادی که وظیفه تفهیم حق سکوت را دارند اما آن را اجرا نمی‌کنند؛
۵. بی‌اعتبار شدن تحقیقات در صورت عدم رعایت حق سکوت متهم.
- ب) افزایش نظارت بر رعایت حقوق متهم در نظام قضایی.
- ج) ترویج استفاده از وکیل در جامعه، به گونه‌ای که هر خانواده وکیل مشخصی را معرفی کند و از وی در امور مختلف زندگی استفاده نماید.
- د) زدودن نگرش منفی جامعه نسبت به سکوت متهم در ایران.
- ه) آشنایی بیشتر جامعه با حق سکوت از طریق تبلیغات رسانه‌ای مانند فیلم‌های ایرانی.
- و) مستثنی کردن حق سکوت در جرایم خشونت‌آمیز.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

- | | |
|---------------------------------|-------------------------|
| 1. Right to Silence | حق سکوت |
| 2. Civil Rights | حقوق مدنی |
| 3. International Criminal Court | دادگاه بین‌المللی کیفری |
| 4. Fair Trial | دادرسی عادلانه |
| 5. Justice | عدالت |
| 6. Human Rights | حقوق بشر |
| 7. Human Dignity | کرامت انسانی |
| 8. Moral Mechanism | ساز و کار اخلاقی |
| 9. Collective Values | ارزش‌های جمعی |
| 10. Moral Principles | ارشهای اخلاقی |
| 11. Social Harmony | سازگاری اجتماعی |
| 12. Moral Harmony | سازگاری اخلاقی |
| 13. Criminal Law | حقوق کیفری |
| 14. Silence of the Accused | سکوت متهم |
| 15. Principle of Innocence | اصل برائت |

References

1. Ardebili M. General penal code. 8th ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. 2012. (In Persian)
2. Shora M. Criminal procedure. 4th ed. Iran/Tehran: Samt Publication. 2011. (In Persian).
3. Hashemi SM. Human rights and fundamental freedoms. 3rd ed. Iran/Tehran: Mizan Publicatin. 2013. (In Persian).
4. Hashemi SM. Examining the concepts of justice and fairness from the perspective of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. 1st ed. Tehran University Press. 2004. (In Persian).
5. Tadayon A, Bagheri Nezhad Z. Ensuring a fair trial in light of the principle of legitimacy in obtaining criminal evidence. Legal Resaerch Journal, 2011; 14(53): 1-10. (In Persian).

احیای این حق در سال ۱۳۷۸، قانون ایران مجدداً آن را در آیین دادرسی کیفری جای داد. البته مشابه این حق پیشتر در قوانین دیگر از جمله اصل ۳۷ قانون اساسی ۱۳۵۸ و بند ۷ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ دیده می‌شد، ولی در قانون آیین دادرسی کیفری جای خالی آن احساس می‌شد. باوجود توجه قانونگذار به این موضوع، ضمانت اجرایی مشخصی برای آن در نظر نگرفته و اجباری برای تفهیم این حق توسط مقام تحقیق نیز قائل نشده است؛ در عوض انتظار می‌رود که متهم به‌صورت خودآگاه از این حق خود اطلاع داشته باشد. حتی در صورت امتناع متهم از پاسخ یا امضای اظهارات، که به نوعی مصداق سکوت اوست، باید در صورتجلسه قید شود. این بند قانونی بیشتر حالت شکلی دارد و به نظر نمی‌رسد که به‌نفع متهم یا به حمایت از حقوق او باشد.

در مطالعه حاضر پس از بررسی مفهوم حق سکوت و جایگاه آن در حقوق ایران و عراق سازوکارهای اخلاقی اجرایی شدن این حق در سه بعد مورد بررسی قرار گرفت:

سازوکارهای اخلاقی تقنینی رعایت حق سکوت متهم شامل: توجه به بعد اخلاقی حق سکوت، طریقی بودن اقرار و لزوم مشروع بودن تحصیل دلیل و اعلام و تفهیم حق سکوت.

سازوکارهای اخلاقی قضایی حق سکوت متهم شامل: لزوم ثبت و ضبط دقیق بازجویی‌ها در تحقیقات میدانی، منع شکنجه، اکراه، اجبار متهم به سخن گفتن و منع پرسش تلقینی و اغفال متهم.

سازوکارهای اخلاقی انتظامی حق سکوت متهم شامل به کارگیری بازجویان مجرب و آموزش دیده، نظارت نهادهای مسئول بر چگونگی بازجویی و تخصصی شدن ضابطان.

با اعمال تغییرات زیر در حقوق ایران، می‌توان اجرای بهتر حق سکوت و سایر حقوق متهم را تضمین کرد:

الف) اصلاح مواد قانونی و توجه به موارد زیر:

۱. الزام به تفهیم حق سکوت متهم توسط قاضی و پلیس در تمام مراحل؛

۲. حذف تحریک یا ترغیب متهم به اعتراف با وعده کاهش مجازات یا فریب؛

۳. تصریح بر این موضوع که «سکوت متهم نباید علیه او استناد شود»؛

10. Khazani M. Criminal process. 1st ed. Tehran: Ganje Danesh Publication. 2009. (In Persian).
11. Horr Ameli MH. Wasayel Al-Shia. 8th ed. Iran/Qom: Dar Al-Haya', Arab Heritage. 2001.
12. Tadayon A. Criminal procedure. 1st ed. Iran/Tehran: Khorsandi Publication. 2012. (In Persian).
13. Khazaei M. The principle of innocence and presentation of evidence in criminal cases. *Legal Research Quarterly*, 1994; 1(13): 1-10. (In Persian).
14. Shamloo B. The principle of innocence in modern judicial systems. 1st ed. Tehran: Samt Publication. 2018. (In Persian).
15. Bekaria C. Treatise on crimes and punishments. Translated by Ardabili M. 3rd ed. Tehran: Shahid Beheshti University Press. 2008. (In Persian).
16. Seyed Esfahani SH. The role of the police in preventing child and adolescent delinquency. 1st ed. Tehran: Mizan Publication. 2018. (In Persian).
17. Shams A. Civil procedure code. 24th ed. Tehran: Derak Publication. 2014. (In Persian).
18. Sanei Y. Judicial inquiries. 2nd ed. Tehran: Mizan Publication. 2012. (In Persian).
19. Sarmast Bonab B. The principle of innocence and its effects in criminal matters. 1st ed. Tehran: Dadgostar Publication. 1992. (In Persian).
20. Njafi Abrand Abadi A. Major systems of criminal policy. 1st ed. Teran: Mizan Publication. 2012. (In Persian).
21. Toghanipoor F, Malmir M, Panjepoor J. Ethics governing criminal policy in the islamic legal system. *Ethics in Science and Technology* 2022; 17 (3) :36-43. Dor: [20.1001.1.22517634.1401.17.3.8.2](https://doi.org/10.22517634.1401.17.3.8.2)
22. Akbari Romni F. The principle of innocence throughout history. *The Judiciarys Law Journal*, 2008; 72(62-63): 181-210. doi: <https://doi.org/10.22106/jlj.2008.11291>
23. Mirshojaei S A, Ardalani M. Ethics in criminal proceedings: citizen's rights from the point of view of the accused and the victim. *Ethics in Science and Technology* 2024; 19 (2) :87-94. Doi: [10.22034/ethicsjournal.19.2.87](https://doi.org/10.22034/ethicsjournal.19.2.87)
24. Ardabili M. Supervised maintenance. 1st ed. Tehran: Mizan Publication. 2016. (In Persian).
25. Roostaei Sadrabadi H. An introduction to the principles of the Islamic penal system. 1st ed. Tehran: Salsabil Publication. 2016. (In Persian).
26. Khakzad M, Lajevardi S V, Ghasemi Ahd V. Principles of ensuring fair and ethical proceedings in civil lawsuits and obstacles to its implementation. *Ethics in Science and Technology* 2024; 19 (2) :79-86. Doi: <http://dx.doi.org/10.22034/ethicsjournal.19.2.79>
27. Mohammadi Zadeh A. Examining the ethical principles governing fair proceedings. *Ethics in Science and Technology* 2024; 19 (2) :69-72. Doi: [10.22034/ethicsjournal.19.2.69](https://doi.org/10.22034/ethicsjournal.19.2.69)
28. Fazaeli M. Fair trial (international criminal trials). 1st ed. Tehran: Institute for Legal Studies and Research Publications. 2019.(InPersian).
29. Katoozian N. Introduction to the science of law. 38th ed. Tehran: Sahami Enteshar. 2014. (In Persian).
30. Goldoost Joybari R. Generalities of criminal procedure. 1st ed. Tehran: Jungle Publication. 2013. (In Persian).
31. Rasekh M. Public law. 1st ed. Tehran: Ney Publication. 2012. (In Persian).
32. Noorbaha R. Criminal law protection of public and private spheres. 1st ed. Tehran: Jungle Publication. 2016. (In Persian).
33. Noorbaha R. The field of general criminal law. 21st ed. Tehran: Ganje Danesh Publication. 2017. (In Persian).
34. Mousavi SA, Ghasemi M, Jafari MJ. Investigating the ethical challenges of the accused's right to remain silent in the Iranian legal system. *Ethical Research*, 2020; 4(10): 235-254. Dor: [20.1001.1.23833279.1399.10.40.14.8](https://doi.org/10.23833279.1399.10.40.14.8)